

تاریخ بیهق^۱

بقلم آقای میرزا محمد خان قزوینی

۱

بیهق نام قدیم ناحیه ایست از خراسان که سبزوار حالیه شهر عمده آنست و علماء و فضلاء لایعد و لایحصی در هر عصر و قرن همواره ازین سر زمین برخاسته اند که کتب تواریخ و رجال و تذکرهای شعرا و معاجم شیوخ و طبقات محدثین و فقها مشحون بذکر آنهاست مانند ابوبکر احمد بن الحسین بیهقی از اشهر مشاهیر علمای اهل سنت صاحب سنن و دلائل النبوة و مانند ابو الفضل محمد بن الحسین بیهقی دبیر غزنویان و مورخ مشهور صاحب تاریخ مسعودی معروف بتاریخ بیهقی و مانند ابوالحسن علی بن زید بیهقی صاحب همین تاریخ حاضر که عکس آن در مقابل نظر است و غیرهم و غیرهم. موضوع تاریخ بیهق چنانکه اسم آن حاکی است عبارت است از تاریخ این ناحیه از ایران و تراجم مشاهیر رجایی که بدانجا منسوب اند از هر قبیل از علما و ادبا و شعرا و وزرا و سادات و کتاب و حکما و اطبا و غیرهم و انساب خانوادهای مشهور که از قدیم در آن جاوطن داشته یا از مواضع دیگر بدانجا هجرت نموده اند و نیز تا اندازه از جغرافیای این ناحیه، و چون اطلاع از تاریخ عام هر مملکتی کما هو حقه موقوف باطلاع از تواریخ خصوصی هر ناحیه از نواحی مختلفه آن مملکت است لهذا برای تألیف تاریخ جامع مبسوطی از ایران که این اواخر صحبت آن بسیار بمیان آمده است و امید است که عنقریب صورت خارجی پذیرد قبل از همه چیز لازم است که تواریخ رجایی و ولایات مختلفه ایران متدرجاً

۱- این مقاله نفیس بعنوان مقدمه در نسخه عکسی تاریخ بیهق که حضرت آقای آقا میرزا محمد خان قزوینی از باریس فرستاده اند نوشته شده، چون بسیار استادانه نگاشته شده است و ممکنست اصل نسخه نیز بدین زودی طبع نشود لازم دیدیم که آنرا برای استفاده خوانندگان محترم در مجله طبع کنیم. از حضرت آقای آقا میرزا صادق خان انصاری مدیر محترم کتابخانه معارف هم که در استنساخ این مقاله و مقابله آن با ما مساعدت فرموده اند متشکریم. - مهر

تصحیح و طبع شده یا اقلاً نسخ متعدده از آن از کتابخانه‌های خارجه (اگر در ایران موجود نباشد) عکس یاسواد برداشته در محل دسترس فضلا نهاده شود تا مواد لازمه برای تألیف تاریخ عام مذکور بتدریج فراهم گردد. این نوع تواریخ محلی که در هر عصر و زمان علمای مسامین شکرالله مساعیهم بقصد حفظ آثار قدما و تخلید مآثر معاصرین هر یک راجع بمسقط الرأس خصوصی خود تألیف مینموده‌اند مانند تاریخ قم و تاریخ اصفهان و تاریخ ری و تاریخ قزوین و تاریخ نیشابور و تاریخ بخارا و تاریخ سمرقند و تاریخ بغداد و تاریخ دمشق و غیرها و غیرها سابقاً بسیار فراوان بوده است و اکنون نیز با آنکه اغلب آنها دستخوش حوادث زمانه شده و از میان رفته است باز عده معتنی بهی از آنها خوشبختانه هنوز باقی است. از این کتب بعضی بسیار معروف و بیچاپ رسیده است مانند تواریخ مختلفه مازندران در چهار جلد که در سنوات ۱۸۵۰-۱۸۵۸ مسیحی (۱۲۶۶-۱۲۷۵ هجری) باهتمام مستشرق روسی درن در پترزبورغ بطبع رسیده است و تاریخ کرمان موسوم بعقد العالی لاموقف الاعالی (طهران سنه ۱۲۹۳) و فارس نامه ناصری (طهران سنه ۱۳۱۳ قمری) و فارس نامه ابن البایخی (لیدن ۱۹۲۱ م - ۱۳۴۰ هجری) و تاریخ کردستان معروف بشرفنامه شرف خان بدلیسی (پترزبورغ سنه ۱۲۷۶) و تاریخ سیستان مجهول المصنف که در سنه ۱۲۹۶ در پاورقی روز ناه ایران بطبع رسیده است و تاریخ بخارا از رشخی (پاریس سنه ۱۸۹۲ م - ۱۳۱۰ هجری) و ترجمه خلاصه ماتندی از تاریخ طبرستان از ابن اسفندیار که باهتمام مرحوم براون انگلیسی (در سنه ۱۹۰۵ م - ۱۳۲۳ هجری) منتشر شده است و بعضی دیگر از این کتب نسبتاً کمتر معروف است و نسخ آنها کمابیش نادر و در محل دسترس همه کس نیست. مانند تاریخ قم از حسن بن محمد قمی و تاریخ دیگر کرمان موسوم بسقط العالی للحضرة العلیا که در لندن و پاریس نسخی از آن موجود است و تاریخ دیگر - یستان موسوم باحیاء الماواک که در لندن نسخه از آن موجود است و مانند همین تاریخ بیهق حاضر که چنانکه

خواهیم گفت سه نسخه بیش از آن فعلا بدست نیست و مانند تاریخهای شوشتر و یزد و اصفهان و قزوین و کاشان و باخ و سمرقند و هرات و غیرها که نسخ آنها در بعضی کتابخانهای عمومی اروپا موجود است.

تاریخ بیهق حاضر تألیف یکی از علمای شهور قرن ششم ابو الحسن علی بن ابی القاسم زید بن محمد بن الحسن البیهقی است. وی در حدود سنه چهار صد و نود متولد^۱ و در سنه پانصد و شصت و پنج وفات یافته است و معاصر محمد بن عبدالکریم شهرستانی صاحب ملل و نحل متوفی در سنه ۵۴۸ و سید اسمعیل جرجانی صاحب ذخیره خوارزمشاهی متوفی در سنه ۵۳۱ و من فی طبقتهم^۲ بوده است و در صغر سن چنانکه خواهد آمد زمان عمر خیام را نیز دریافته و بمجلس او حاضر شده است و تاریخ بیهق را بتصریح خود^۳ در سنه پانصد و شصت و سه (۵۶۳) در زمان سلطنت مؤید آی ابه از غلامان سلطان سنجر که بلافاصله بعد از وفات سنجر بر خراسان مسلط شد تألیف نموده است، و این ابو الحسن بیهقی از مشاهیر علمای عصر خود بوده و کتب نفیسه بسیاری بزبان عربی و فارسی تألیف نموده

۱ - تاریخ ۴۹۹ (چهار صد و نود و نه) برای ولادت او در معجم الادباء، ۲۰۸ بلا شک غلط طبع است که از تبدیل اعداد سنوات بارقام هندی که شیوه ناخوش طابع آن کتاب است ناشی شده و نظایر اینگونه غلط مکرر در آن کتاب روی داده است بیهقی اقلاده سال زودتر از ۴۹۹ متولد شده بومه است بقرینه اینکه خود در تاریخ بیهق حاضر ورقه ۵۱ (ص ۷۷ از نمره گذاری پشت صفحات) گوید و قتل فخر الماک در عاشورا بوده سنه خمسما^۴ و من آن یاد دارم و در عهد کودکی در دبیرستان معلم بودم بنیسا بور و بدیهی است که طفل یکساله بدبیرستان نمیرود و از یک سالگی چیزی بیاد نمی ماند و لابد بایستی در آنوقت ده درازده ساله بوده باشد و بنابراین ولادت او در حدود چهار صد و نود یا اندکی پس و پیش خواهد بود چنانکه گفتیم.

۲ - در ورق ۱۷۰ از نسخه لندن گوید «و فرغ المصنف من نسخ هذا الكتاب في الرابع من شوال سنة ثلث وستين و خمسمائة» در نسخه برلین یعنی نسخه حاضره این عبارت را ندارد و جای آن در ورق ۱۶۹ (ص ۳۳۷) بعد از سطر اخیر آن صفحه است بلافاصله در ورق ۱۶۶ (ص ۳۲۶) گوید مؤید الدولة والدين خسرو خراسان ملك المشرق آی ابه خلد الله دولته دهم محرم سنه احدى وستين و خمسمائة بالشكری جرار سوار و پیاده بدر قصبه آمد الخ.

است. یاقوت در معجم‌الادباء ج ۵ ص ۲۰۸-۲۱۸ در ترجمه حال او هفتاد و چهار عدد از مؤلفات او را با اسم و رسم می‌شمرد و همچنین حاجی خانی‌ه در کشف‌الظنون در مواضع مختلفه عدّه کثیری از تألیفات او را ذکر نموده است، بدبختانه از جمیع این کتب نفیسه جز همین تاریخ بیهق حاضر و جز تتمه صوان الحکمه در تاریخ حکما گویا چیزی بدست نمانده است.^۱

از جماعه کتب بسیار معروف مؤلف ذیالی بوده است بر تاریخ‌بیمینی موسوم به مشارب‌التجارب و غوارب‌الترايب^۲ و مشتمل بوده است بر وقایع تاریخی ایران در مدت صد و پنجاه سال از همانجا که تاریخ‌بیمینی ختم میشود یعنی از حدود سنه ۴۱۰ الی حدود ۵۶۰ هجری و عبارته اخیری شامل بوده است تقریباً تاریخ تمام دوره غزنویه و تمام دوره ساجوقیه و نیمه اول دوره خوارزمشاهیه را، یاقوت در معجم‌الادبا مکرر از این کتاب نقل کرده است و همچنین ابن‌الاثیر در تاریخ کامل و ابن ابی

۱ - در مکتوبی که آقای سعید نفیسی از طهران بتاريخ ۱۷ فروردین ۱۳۱۰ بمن نوشته بودند فتره ذیل مندرج بود که بعین عبارت در تحت مسؤلیت خود ایشان نقل میشود: « دو کتاب دیگر از ابوالحسن بهیقی سراغ دارم اول کتابی است در نجوم بفارسی که یک نسخه از آن بنده خود دارم و نسخه دیگر را آقای (میرزا علی‌اکبر خان) دهخدا دارند و مقدمه و خطبه آنرا که شامل مؤلفات کثیر از ابوالحسن بهیقی است باقای سید کلیم الله (حیدرآبادی مذکور در ص ۱۰، ۲۰، ۲۱) ازین مقدمه) دادم و دیگر شرحی است از نهج البلاغه که دو نسخه از آن در کتابخانه فاضل خان در مشهد بوده و پس از آنکه آن مدرسه را خراب کرده اند و خیابان جدید مشهد را از آن گردانیده اند آن کتابها را بکتابخانه آستانه (قدس رضوی ۴) برده اند و اینک آنجاست و از مشهد خواسته ام که مقدمه و خطبه آن کتاب را هم برای بنده بفرستد - محمد قزوینی

۲ - رجوع کنید بهمین تاریخ بیهق حاضر ورق ۷ (ص ۱۳) و بتاريخ ابن‌الاثیر در حوادث سنه ۵۶۸ (طبع مصر ۱۱ : ۱۷۰) و ابن ابی‌اصیبه ج ۱ ص ۷۲ ر بحاجی خانی‌ه در تحت همین عنوان مشارب‌التجارب و نیز بمآخذ دیگر که بعدها اشاره بدان خواهند شد. در ابن‌الاثیر و ابن ابی‌اصیبه کلمه مشارب باسین مهمله یعنی مسارب مسطور است و در سایر ماخذ مشارب باشین معجمه کما فی‌المتن .

اصیبه در طبقات الاطباء وعظاملك جوینی در تاریخ جهانگشا هر کدام ققراتی ازین کتاب نقل کرده اند و حمدالله مستوفی در دیباجه تاریخ گزیده آنرا از ماخذ خود می شمرد و از اینجا معلوم میشود که این کتاب بطور قطع تا اواسط قرن هشتم موجود بوده است. بدبختانه در کتابخانهای اروپا که فهارس مطبوعه دارند تا کنون اثری ازین کتاب نفیس بدست نیامده است ولی هیچ مستبعد نیست که در ایران یا در ترکیه یا در سایر معالک اسلامی شرقی مثل هندوستان و افغانستان و ترکستان نسخه یا نسخی از آن موجود باشد و وقتی بدست بیاید دیگر از تألیفات ابوالحسن بیهقی ذیلی بوده است بر دمیة القصر باخرزی موسوم بوشاح دمیة القصر یا اختصاراً و شاح الدمیة در تراجم احوال شعراء عصر خود. یاقوت در معجم الادبا مکرر از این کتاب نقل کرده است و ابن خلکان نیز در ترجمه حال باخرزی اشاره بدان نموده حاجی خلیفه این کتاب را بعنوان و شاح دمیة القصر و لقاح روضة العصر ذکر کرده است و گویا نام کامل کتاب همین بوده است. دیگر از تألیفات بیهقی کتابی بوده است در امثال عرب موسوم بغرر الامثال و درر الاقوال.

در دو جلد^۱ که بقول حاجی خلیفه در کشف الظنون ماخذ مجمع الامثال میدانی این کتاب بوده است چنانکه گوید غرر الامثال و درر الاقوال لابی الحسن علی بن زید البیهقی المتوفی سنه ۰۰۰ رتب الامثال علی الحروف و ذکر لکل منها السبب والضرب ثم شرحها اعراباً و معانی و ذکر حالها ایضاً و هو مأخذ المیدانی، ولی ظاهراً این سهوی است واضح از حاجی خلیفه که منشأ آن عدم اطلاع از عصر بیهقی بوده است چه بیهقی بتصریح خود او در مشارب التجارب بنقل یاقوت ازو در معجم الادباء از شاگردان میدانی بوده است و سامی فی الاسامی و مجمع الامثال میدانی هر دو را در زنده و تلف

(۱) معجم الادبا: ج ۵ ص ۲۱۱ سطر ۳ باخر و حاجی خلیفه ج ۲ ص ۱۵۳

آنها یعنی در نزد خود میدانی درس خوانده بوده است^۱ و علاوه بر این بیهقی قریب پنجاه سال دیگر پس از وفات استاد خود میدانی در حیات بوده است چه وفات میدانی در سنه ۵۱۸ و وفات بیهقی در سنه ۵۶۵ بوده است. پس از اینجا واضح میشود که بیهقی فقط اواخر عمر میدانی را درک کرده بوده است در اوایل شباب خود و بسیار مستبعد است که استاد پیری از تألیف شاگرد بسیار جوان خود اقتباس نماید بلکه عاده عکس این فقره معمول است باری این سخن حاجی خلیفه بکلی بی مأخذ بنظر میآید. و دیگر از تألیفات بیهقی ذیلی است بر کتاب صوان الحکمه در تاریخ حکماء تألیف ابوسلیمان محمد بن طاهر بن بهرام السجری و ذیل بیهقی معروف است به تمه صوان الحکمه و خوشبختانه پنج نسخه از این کتاب یکی در کتابخانه آستان قدس رضوی در مشهد مقدس و دو در استانبول یکی در کتابخانه بشیر آقا ص ۳۵ از فهرست کتابخانه‌های اسلامبول نمرة ۴۹۴ و دیگری در کتابخانه ملا مراد ص ۱۱۵ از فهرست مذکور نمرة ۱۴۳۱ که در فهرست غلطاً ۱۴۰۸ چاپ شده است (تقریر شفاهی آقای سید کلیم الله حیدر آبادی) و یکی در برلین و دیگری که مختصریست از اصل در لیدن از بلاد هلند موجود است دیگر از تألیفات ابوالحسن بیهقی همین تاریخ بیهق حاضر است که وصف آن اجمالاً سابق مذکور شد نسخ این کتاب در نهایت ندرت است و تا آنجا که من اطلاع دارم فقط سه نسخه از این کتاب فعلاً بدست است یکی که از همه قدیمتر و صحیحتر و کاملتر است نسخه ایست که در موزه بریتانیه در لندن موجود است و این نسخه در سال ۸۳۵ استنساخ شده است و وصف اجمالی این نسخه را ریبو در ذیل فهرست نسخ فارسی موجوده در موزه بریتانیه نموده است و بعضی عناوین مهمه آنرا نیز بدست داده است (ص ۶۰-۶۱) دوم نسخه ایست که در کتابخانه عمومی

۱ - تم حضرت درس الامام صدر الافاضل احمد بن محمد المیدانی فی محرم سنة ۵۱۶ و صححت علیه کتاب السامی فی الاسامی من تصنیفه و کتاب المصادر للقاضی و کتاب المنتحل و کتاب غریب الحدیث لابی عبید و کتاب اصلاح المنطق و معجم الامثال من تصنیفه (معجم الادبء ج ۵ ص ۲۰۹ نقلاً از مشارب التجارب بیهقی)

برلین موجود است و آن عبارت است از همین نسخه حاضره که عکس آن برداشته شده است و این نسخه بسیار جدید است و در سال ۱۲۶۵ در لکنور در هندوستان استنساخ شده است و از اول آن چند ورق ناقص است و عالی التحقیق قریب یازده صفحه (پنج ورق و نیم) از صفحات نسخه لندن از ابتدای نسخه حاضره افتاده است و تمام صفحه اول این نسخه چنانکه در متن گفته ایم مصنوعی و الحاقی است و از مؤلف نیست و ابتدای نسخه اصلی از سطر اول از صفحه دوم که ابتدای آن عبارت است «و تاریخ دانستن با آنکه فایده بزرگ دارد شروع میشود و مطابق است با سطر سیزده از ورق ۶۱ از نسخه لندن ولی یکی از نسخ یابکی از مالکین آن نسخه برای آنکه نقصان کتاب معلوم نشود چند سطر دیباچه مصنوعی از خود ساخته و در ابتدای آن افزوده است. وصف اجمالی این نسخه را پرچ مستشرق آلمانی در فهرست نسخ فارسی موجوده در کتابخانه دولتی برلین بدست داده است (ص ۵۱۶)

سوم نسخه ایست که در کتابخانه عمومی ترکستان در تاشکند موجود است و این نسخه از نسخه برلین نسبتاً قدیمتر است ولی از نسخه لندن بسیار جدیدتر و در سنه ۱۰۵۷ استنساخ شده است و این نسخه نیز از ابتدا ناقص است. بار تولد مستشرق معروف روسی اشاره اجمالی بدین نسخه در دایرة المعارف اسلامی در تحت عنوان «بیهقی» و در کتاب ترکستان خود (ترجمه انگلیسی ص ۳۱-۳۲) نموده است.

غزل

اثر طبع آقای کمالی

آن به که آشیانه ز عالم بند زخم
نگداشت تا له سرزدم از بیضه پر زخم
شمشیر بر دودست قضا و قدر زخم
آنهم گلی نبود که روزی بسر زخم
تا در شب وصال بیای سحر زخم
دور از رخت اگر مژه برجشم تر زخم
هرچند گام در طابش بیشتر زخم

تا بال و پر بیجاست که بر یکدگر زخم
آن طایرم که چنگل شاهین عشق او
بردست من اگر که تو دست رضا دهی
سر در ره تو دادم و از جوش کشتگان
بندی بر آن سرم که بدست آرمت ز زلف
چون موجة سراب شمارند رود نیل
کمتر مرا دهند کمالی ازو نشان